

تحلیل تغییرات بلندمدت هزینه -درآمد خانوارهای روستایی در ایران

لطفعلی عاقلی

دانشگاه تربیت مدرس

چکیده. تأمین درآمد پایدار یکی از مولفه‌های اساسی در توسعه روستایی به شمار می‌رود. افزایش بهره‌مندی از امکانات زندگی و بهبود وضعیت رفاهی در سایه کسب درآمد تحقق می‌یابد. این مقاله تلاش کرده ترکیب هزینه-درآمد خانوارهای روستایی را در ایران تحلیل کند. داده‌های آماری در دوره ۱۴۰۱-۱۳۵۳ از مرکز آمار ایران و بانک مرکزی اخذ شده است. در این دوره، ۶ برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرا شده و از جمعیت روستایی کشور کاسته شده اما درآمدها و مخارج روستائیان، نوسانی و متغیر بوده است. میانگین نرخ رشد مخارج کل یک خانوار روستایی در این دوره ۱۹/۸ درصد بوده، در حالی که نرخ رشد درآمد، به طور متوسط ۲۱/۴ درصد بوده است. علاوه بر این، میزان رشد سالانه هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی به ترتیب ۱۹/۲ و ۲۰/۵ درصد محاسبه شده است. از طرف دیگر، میل نهایی به مصرف خانوارهای روستایی حدود ۰/۸۱ برآورد شده است.

واژگان کلیدی: هزینه، درآمد، مخارج خوراکی، مخارج غیرخوراکی، میل نهایی به مصرف، روستا.

۱- مقدمه

روستا به عنوان مرکز تولید محصولات اصلی زراعی و دامی، نقش مهمی در ساختار اقتصاد منطقه‌ای و ملی ایفا می‌کند. تولید در روستا بر اساس نظریه اقتصاد کلاسیک متکی به نهاده‌ها و منابع طبیعی از جمله آب، زمین، بذر، دام و نیروی انسانی است. اما با گذار از نظام بهره‌برداری دهقانی و سنتی به نظام مکانیزه، نهاده‌های جانشین یا مکمل

از جمله سرمایه، ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی و فناوری در فرایند تولید به کار گرفته می‌شوند.

در ایران تا قبل از اجرای برنامه عمرانی هفت ساله دوم (۱۳۴۱-۱۳۳۴)، روستا و روستانشینی وجه غالب اقتصاد ایران بوده است، به طوری که نسبت جمعیت روستانشین در سال ۱۳۳۵ بالغ بر ۶۸ درصد ثبت شده است. در این برنامه برای فصل کشاورزی و آبیاری- که عمدتاً بر فعالیت‌های روستایی متمرکز بوده- حدود ۱۲ میلیارد ریال (معادل ۲۳ درصد کل اعتبارات برنامه) پیش بینی شده بود. از این مبلغ ۱۲۴ میلیون ریال برای اقتصاد روستایی و مهندسی زراعی و ۵۶۵ میلیون ریال برای عمران دهات و اراضی بایر مصوب شده بود [۱]. اما از برنامه دوم پیش از انقلاب به بعد و همزمان با اجرای اصلاحات ارضی، راهبرد جایگزینی واردات و توسعه صنایع سنگین، مهاجرت به شهرها آغاز و این روند در دوره پساانقلاب و جنگ تحمیلی به دلایل سیاسی و امنیتی تشدید شد.

ایران دارای جمعیت جوان روستایی است. بر اساس نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تعداد جوانان روستایی در رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال حدود ۴ میلیون نفر و جمعیت در سنین ۶ تا ۱۹ سال هم ۴/۶ میلیون نفر و کل جمعیت روستایی قریب به ۲۱ میلیون نفر بوده است. هر چند طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ نسبت جمعیت روستانشین از ۶۸/۳ درصد به تقریباً ۲۶ درصد کاهش یافته است اما مناطق روستایی همچنان نقش مهمی در تولید محصولات راهبردی زراعی از جمله گندم، جو، برنج و پنبه ایفا می‌کنند.

با وجود روند شتابان شهرنشینی و علیرغم خشکسالی‌های دهه ۱۳۸۰، هنوز روستائانی که به زمین و مزرعه وابسته و وفادار مانده‌اند، به کار و تلاش در زمین‌ها و باغات و واحدهای دامی مشغول هستند. با اینکه دسترسی به آب در برخی روستاها کمتر شده و از مجموع ۶۰۹ دشت کشور حدود ۶۶ دشت در شرایط ممنوعه یا وضعیت بحرانی قرار دارند [۹]، با این حال قدرت خرید روستائیان کاهش نیافته است، به طوری که درآمد سرانه حقیقی در مناطق روستایی از ۲۵/۵ میلیون ریال در سال ۱۳۶۸ به ۴۴/۱ میلیون ریال در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

پس از مقدمه فوق، در بخش ۲ به مبانی نظری هزینه-درآمد در روستاها و ماهیت مخارج در خانوارهای روستایی اشاره می‌شود. سپس در بخش ۳ پیشینه پژوهش مرور می‌شود. در

ادامه، در بخش ۴ به روش‌شناسی پژوهش پرداخته شده و روند تغییرات هزینه-درآمد خانوارهای روستایی در دوره ۱۴۰۱-۱۳۵۳ تحلیل می‌شود. در بخش ۵، مقاله با بحث و نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد.

۲- مبانی نظری هزینه-درآمد در روستاها

مناطق روستایی پایگاه تولیدات اصلی کشاورزی و دامی هستند. در این مناطق، کشاورزی در مقیاس کوچک و متوسط مهمترین منبع درآمد است. اغلب روستائیان از طریق فعالیت‌های کشاورزی و صنایع وابسته امرار معاش می‌کنند. بر اساس درآمد حاصله، مصرف بین اقلام خوراکی و غیرخوراکی تخصیص می‌یابد. به طور نسبی، اهمیت مخارج خوراکی در روستاها بیشتر از شهرهاست. در میان اقلام خوراکی نیز، هزینه‌های صرف شده روی اقلام غذایی ضروری تر بیشتر است.

نیازهای غذایی روزافزون و رشد جمعیت، مستلزم افزایش محصولات کشاورزی و رشد درآمد روستائیان است. علاوه بر رشد، تحولات کیفی و تغییر شیوه‌های کشت و تولید در قالب آموزش و ترویج کشاورزی، افزایش بهره‌وری، استفاده از فناوری‌های نوین و شیوه‌های جدید بازاریابی برای دستیابی به توسعه روستایی ضروری هستند. با افزایش درآمد روستائیان و به تبع آن افزایش رفاه و مخارج مصرفی حقیقی خانوارها، مهاجرت به شهر، کاهش یافته و ماندگاری در روستا، افزایش می‌یابد.

نوسان‌ها و تکانه‌های نابرابری درآمدی باعث ایجاد تکانه در توزیع مخارج مصرفی می‌شود. این تکانه‌ها به صورت نابرابری مخارج مصرفی ظاهر می‌شوند. از سوی دیگر، تمام پراکندگی‌های توزیع درآمد به توزیع مخارج مصرفی منتقل نمی‌شوند. این موضوع تاییدکننده مبانی الگوهای کلان مصرف است که از طریق ریزداده‌های خانوارها مشاهده شده است [۷].

افزایش هزینه‌های مصرفی که نتواند با درآمد خانوارهای روستایی تطابق داشته باشد، موجب گسترش فقر در روستاها می‌شود. در مرحله بعدی، گسترش فقر به محرومیت آموزشی و اجتماعی، افزایش نابرابری درآمدی و جنسیتی، وخامت امنیت غذایی و مهاجرت به شهر منتهی می‌شود. از این رو، رصد هزینه-درآمد خانوارهای روستایی در برنامه ریزی کلان حایز اهمیت فراوان است. در یک اقتصاد توسعه یافته، یک نوع تعادل

ارگانیک بین بخش‌های شهری-روستایی وجود دارد. وجود زمین‌ها، مزارع و باغات خانوادگی در مناطق روستایی به این معنی است که گذار بین نسلی مهمترین فرآیند در تنظیم ساختاری نیروی کار و درآمد بخش کشاورزی است [۴].

درآمد روستائیان به ترکیب مشاغل روستایی بستگی دارد. از طرف دیگر، تخصیص نیروی کار روستایی بین فعالیت‌های زراعی و غیرزراعی (صنعتی یا خدماتی) مطابق با «نظریه توزیع بر مبنای بهره‌وری نهایی» [۵] به میزان بهره‌وری و در نتیجه به سطح دستمزدها وابسته است. با افزایش بهره‌وری کشاورزان، درآمد آنها افزایش یافته و موجب افزایش مصرف انواع خوراکی‌ها و غیر خوراکی‌ها می‌شود.

در بررسی الگوی مخارج مصرفی خانوارها و اندازه‌گیری رفاه اقتصادی، تغییرات قیمت نسبی، اهمیت زیادی دارد. رویه استاندارد تعدیل قیمت‌ها با استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده، تغییرات قیمت نسبی را نادیده می‌گیرد و در نتیجه تصویری نادرست از رفاه جمعیت به دست می‌دهد. به همین دلیل، بایستی در تعدیل و حقیقی‌سازی مخارج مصرفی از شاخص‌های قیمت متناسب با هر یک از اقلام هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی استفاده شود.

۱-۲- ماهیت مخارج در خانوارهای روستایی

الگوی مخارج خانوارهای روستایی متفاوت از الگوی مخارج در خانوارهای شهری است. در روستاها، تأمین غذا و خوراک به دلیل کاربربودن اغلب مشاغل روستایی که مستلزم تأمین انرژی و کالری کافی است، در درجه اول اهمیت قرار دارد. از این رو، هزینه‌های خوراکی سهم قابل توجهی از مخارج کل خانوارها را تشکیل می‌دهند. همچنین، در روستاها، برخی اقلام هزینه‌ای غیرخوراکی یا وجود ندارد یا سهم آنها ناچیز است. برای نمونه، تفریحات و سرگرمی‌ها به احتمال زیاد از سهم اندکی در هزینه‌های غیرخوراکی برخوردارند. به دلیل تفاوت در الگوهای مخارج شهر-روستا، تابع رفاه خانوارهای روستایی نیز متفاوت از تابع متناظر در خانوارهای شهری است.

مخارج خانوارهای روستایی از الگوهای جمعیتی تأثیر می‌پذیرد. با افزایش مهاجرت از روستا به شهر و کاهش تعداد اعضای خانوار، بُعد خانوار کوچک می‌شود و مخارج کل خانوار کاهش می‌یابد، با این شرط که عضو مهاجر بتواند در شهر از عهده مخارج خویش

برآید. از سوی دیگر، نرخ نسبتاً بالای زاد و ولد و کاهش نرخ مرگ و میر که حاصل گسترش امکانات بهداشتی، دسترسی به خدمات پزشکی، افزایش سطح سواد مادران و بهبود نسبی رفاه در روستاهاست، سبب شده که تراکم جمعیت روستایی همچنان بالا باشد و سهم اقلام خوراکی را در سبد خانوار افزایش دهد.

روند عمومی تغییرات مخارج خانوارهای روستایی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه تقریباً مشابه است. در فرایند توسعه، سهم مخارج خوراکی در سبد مصرفی خانوار کاهش اما سهم مخارج غیرخوراکی، افزایش می‌یابد. در مناطق روستایی، در صورتی که کاهش نسبی مخارج خوراکی با رشد مخارج غیرخوراکی جبران شود، سطح کل مخارج مصرفی خانوار پایدار مانده و در وضعیت اینرسی قرار می‌گیرد. با این وجود، تفاوت در الگوهای مخارج مصرفی در داخل و بین مناطق روستایی به قابلیت‌های رشد و توسعه روستایی، خصوصیات جغرافیایی و اقلیمی روستاها، بُعد خانوار، ترجیحات سرپرستان خانوار، نرخ تورم و سطح درآمد سرپرست خانوار وابسته است.

درآمد در مناطق روستایی به طور عمده تابع اشتغال محلی است. فعالیت‌های کشاورزی در فرم دهقانی و سنتی خود فصلی بوده، به طور عمده متکی بر آب و زمین هستند و در نتیجه، تحولات آب و هوایی و تغییرات فصلی بر روند این فعالیت‌ها موثر هستند. بیکاری غیرارادی (غیرداوطلبانه) ناشی از تغییرات فصلی در امور کشاورزی (زراعت و باغبانی، دامداری، جنگل داری و صید آبزیان) جزء ویژگی‌های اصلی اشتغال نیروی انسانی روستایی است [۶].

علاوه بر نوع و مدت اشتغال، درآمد یک خانوار روستایی نوعی، به قیمت محصولات زراعی و دامی و میزان تولید آنها بستگی دارد. به طور طبیعی، با افزایش قیمت محصولات، درآمد تولیدکنندگان روستایی افزایش می‌یابد. همین‌طور افزایش برداشت محصولات زراعی، صید بیشتر انواع آبزیان و رشد تولیدات دامی به افزایش مستقیم درآمد کشاورزان و دامداران منجر می‌شود. در نتیجه نوسانات درآمد در میان خانوارهای روستایی به نوسان قیمت‌ها و تولید وابسته است. گاهی به دلیل وضعیت آب و هوایی، میزان برداشت محصولات اُفت می‌کند که در نتیجه به کاهش درآمد خانوارهای روستایی می‌انجامد.

۳- پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در باره ترکیب مخارج-درآمد خانوارهای روستایی در داخل و خارج انجام شده‌اند که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود.

در مطالعه [۷]، نابرابری مخارج مصرفی ناشی از انتقال پراکندگی های توزیع درآمدی به توزیع مخارج مصرفی بررسی شده و برای محاسبه میزان نابرابری مخارج مصرفی از شاخص نسبت تمرکز ویژه و برای محاسبه نابرابری درآمد از نسبت لورنز استفاده شده است. آمار درآمد و مخارج گروه های هشت گانه کالا و خدمات خانوارهای روستایی کشور در دوره زمانی (۱۳۹۰-۱۳۴۵) مورد استفاده قرار گرفته و با روش خودتوضیح با وقفه های گسترده پانلی نشان داده شده که ارتباط بلندمدتی بین توزیع درآمد و توزیع مخارج مصرفی وجود دارد و نابرابری درآمدی اثر معناداری بر توزیع مخارج مصرفی دارد.

در مطالعه [۴]، تغییرات رفاهی و شناسایی عوامل اقتصادی-اجتماعی تعیین کننده فقر در میان خانوارهای روستایی منتخب ایران طی دوره ۸۲-۱۳۷۹ ارزیابی شده است. بر اساس یافته های مطالعه، بالاترین سهم (۴۰ درصد) مخارج زندگی در میان خانوارهای منتخب روستایی مربوط به مخارج خوراکی و دخانی می باشد. پس از هزینه خوراکی و دخانی، بالاترین سهم به هزینه مسکن تعلق دارد. نتایج تخمین عوامل موثر بر فقر نشان داده که در مناطق روستایی با افزایش سن سرپرست خانوار، سرپرستی خانوار از سوی مردان، افزایش درآمد پولی و غیرپولی کشاورزی، انتقال اشتغال از سایر بخش ها به بخش زراعت و افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار، احتمال این که یک خانوار از زیر خط فقر به بالای خط فقر ارتقا یابد، افزایش می‌یابد.

در مطالعه [۳]، اثر خصوصیات خانوار بر تقاضای مواد غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران بررسی شده است. گروه های عمده مواد غذایی در شش گروه غلات، گوشت، لبنیات، روغن و چربی، میوه، سبزی و حبوبات و قند و شکر جمع سازی شده و سپس داده های شبه پانل با استفاده از داده های هزینه و درآمد خانوارها طی دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۴ ایجاد گردیده است. در نهایت تقاضای خانوار با استفاده از متغیرهای خصوصیات خانوار و منطقه محل سکونت برای مناطق شهری و روستایی ایران برآورد شده است. نتایج مطالعه، بیانگر تفاوت الگوی تقاضای مواد غذایی در مناطق شهری و روستایی است. بررسی اثر متغیرهای خصوصیات خانوار و منطقه محل سکونت بر

تقاضای گروه های مواد غذایی در مناطق شهری و روستایی نشان داده که میزان تحصیلات سرپرست خانوار، اندازه خانوار، سن، جنسیت و منطقه محل سکونت اثرات معنی داری بر تقاضای گروه های منتخب مواد غذایی دارند.

در مطالعه [۸]، تاثیرات کوتاه مدت و بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل قیمت کالاهای کشاورزی، نرخ بهره و نرخ ارز بر درآمد خانوار روستایی بخش کشاورزی بررسی شده است. برای این منظور الگوی خودتوضیح با وقفه های گسترده برای سری زمانی ۱۳۵۶-۱۳۸۷ استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داده که میان متغیرهای مدل و درآمد خانوار روستایی رابطه بلندمدت وجود دارد. از میان این متغیرها، شاخص قیمت محصولات کشاورزی و نرخ ارز تاثیر معنی داری داشته است.

در مطالعه [۱۱]، صرفه اقتصادی حاصل از مقیاس در خانوارهای روستایی ایران بررسی شده است. بدین منظور، تابع مقیاس و سیستم معادلات مبتنی بر مدل دیتون و میولبائر [۱۵]، با بهره گیری از داده های طرح نمونه گیری هزینه و درآمد خانوار در سال ۱۳۹۰ بکار گرفته شد. نتایج نشان دادند که پدیده صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس در سبد مصرفی خانوارهای روستایی ایران قابل مشاهده است. همچنین همسو با قانون انگل، با افزایش بعد خانوار، سهم مواد غذایی افزایش نشان می دهد، اما در مورد مسکن با افزایش بعد خانوار، پدیده صرفه اقتصادی حاصل از مقیاس قابل مشاهده است.

در مطالعه [۱]، با برآورد تابع تقاضای برق به روش ARDL برای دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۸۷ تغییرات رفاهی خانوارها در قبال تغییر قیمت برق محاسبه شده است. نتایج نشان داده که در صورت افزایش ۲۰ درصدی قیمت برق، خانوارهای شهری تقریباً سه برابر خانوارهای روستایی برای برق مصرفی خانوارشان، هزینه خواهند کرد.

در مطالعه [۲۰]، اثرات مهاجرت از روستا به شهر بر الگوی هزینه مصرف خانوارهای روستایی ویتنام بررسی شده است. تحلیل اقتصادسنجی داده های پانل ۳ ساله حدود ۲۰۰۰ خانوار نشان داده که خانوارهای مهاجر روستایی هزینه های کلی خود را افزایش می دهند. خانوارهای مهاجر، بیشتر برای غذا، مراقبت های بهداشتی و سایر اقلام غیرخوراکی هزینه می کنند، اما برای تحصیل فرزندان خود، کمتر هزینه می کنند.

در مطالعه [۲۳]، نابرابری مخارج مصرفی در میان مناطق روستایی در چین با روش تحلیل خوشه ای مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج نشان داده که درآمد و مخارج مصرفی

۳۱ منطقه، شهر و استان را می‌توان به ۵ طبقه تقسیم کرد. شهر شانگهای تنها شهری بود که به عنوان منطقه درجه یک با بالاترین درآمد و مصرف رتبه بندی شد. ۷ شهر و استان به عنوان سه منطقه برتر رتبه بندی شدند. اکثر مناطق درجه چهارم در شمال شرقی چین با زمین‌های زراعی ضعیف قرار داشتند که منجر به توسعه کُند اقتصاد روستایی شده بود. مناطق درجه پنجم، توسط عوامل طبیعی با بلایای طبیعی مکرر و همچنین توسعه نیافتگی صنعت و کشاورزی، محدود شده بودند.

در مطالعه [۱۹]، نتایج پیمایش‌های توسعه انسانی هند در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ و ۲۰۱۱-۲۰۱۲ مورد بررسی قرار گرفت و اثرات تنوع درآمد در بنگاه‌های غیرزراعی بر درآمد و هزینه مصرف خانوارهای کشاورز در روستاهای هند تحلیل شد. نتایج مطالعه با مدل پروبیت پانلی نشان داد که خانوارهای کشاورز روستایی با مشارکت در بنگاه‌های غیرزراعی، افزایش درآمد مزرعه و کاهش هزینه‌های مصرف را تجربه می‌کنند.

در مطالعه [۲۲]، تورش مخارج واقعی و پیامدهای آن بر سنجش رفاه، برجسته شده و نابرابری مصرف خانوارهای روستایی هند طی سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۱۲ بررسی شده است. با استفاده از داده‌های چهار دور پیمایش مخارج مصرف، نتیجه این بوده که زمانی که تغییرات قیمت نسبی نادیده گرفته شود، یک تورش مثبت در مخارج مصرفی وجود دارد. همچنین معیارهای نابرابری مبتنی بر مخارج مصرف واقعی که تغییرات قیمت نسبی را در نظر نمی‌گیرد، میزان نابرابری را بیش از حد برآورد می‌کنند و در نتیجه، پیامدهای مهمی برای رفاه اجتماعی در هند که در آن یک چهارم جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند، دارند.

در مطالعه [۲۱]، پویایی و ساختار هزینه‌های خانوارهای روستایی اوکراین طی دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ بررسی شده و با تخمین تأثیر مخارج فردی بر کل هزینه‌های خانوار، نتیجه گرفته شده که مخارج مواد غذایی، مهم‌ترین عامل در مخارج کل جمعیت روستایی است. یک تحلیل مقایسه‌ای از هزینه‌های خانوار در مناطق روستایی اوکراین و کشورهای منتخب اتحادیه اروپا، با تمرکز بر هزینه‌های غذا و نوشیدنی‌های غیرالکلی انجام شده و مخارج مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها؛ مراقبت‌های بهداشتی؛ تحصیلات؛ و همچنین استانداردهای قدرت خرید برای سال‌های مختلف بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰ هم مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. یافته‌ها، نابرابری‌های قابل توجهی را در سطوح مخارج بین

اوکراین و کشورهای اتحادیه اروپا نشان دادند، به طوری که سطوح مخارج در اوکراین پایین‌تر از اتحادیه اروپا بود.

در مطالعه [۱۶]، در مورد تغییر الگوی مصرف غذا در هند نشان داده شد که کاهش قابل توجهی در مصرف تمام اقلام غلات طی دوره ۱۹۸۷-۱۹۸۸ تا ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در اغلب ایالات و مناطق روستایی وجود داشته که این کاهش به ویژه در در مورد اقلام کوچکتر غلات، به عنوان مثال، جو، ذرت و جایگزین‌های غلات، بیشتر بوده است. تغییر در ترجیحات نسبت به اقلام غیرغلات، مانند گوشت/ ماهی/ تخم مرغ و میوه‌ها/ سبزیجات وجود داشته است. عوامل زمینه‌ای، به دلیل جابجایی از غلات پرکالری به غیرغلات که منابع کالری گران‌تری هستند، منجر به کاهش قابل توجه در مصرف کالری شده است.

در مطالعه [۱۷]، سناریوهای مصرف روستایی بنگلادش بررسی شده است. داده‌های آماری از طریق مشاهده مستقیم و مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده و اطلاعات مربوط به مصرف مواد غذایی، پوشاک، مسکن، امکانات آموزشی و بهداشتی از آمارهای رسمی اخذ شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های کیفی استفاده شده است. یافته‌های این مطالعه نشان داده که الگوهای مصرف روستایی‌های بنگلادشی در طول زمان همراه با توسعه اقتصادی و اجتماعی در حال تغییر است.

بر اساس مطالعه [۱۲]، میزان رشد اشتغال و رشد درآمد در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی در مناطق روستایی هند با میزان رشد عرضه نیروی کار سازگار نیست و به همین دلیل، هند در ایجاد اشتغال کافی برای همگام شدن با رشد نیروی کار و همچنین افزایش حقوق و بهره‌وری کارگران با مشکل روبرو است.

بخش قابل توجهی از تحقیقات صورت گرفته، بر مقاطع و مطالعات موردی و محلی تمرکز داشته و تحلیل سری زمانی در میان آنها کم‌رنگ است. علاوه بر این تأثیر برنامه‌های کلان توسعه در مطالعات داخلی؛ در سطح کلان و ملی در مطالعات خارجی دنبال نشده است. این تحقیق سعی کرده هزینه-درآمد خانوارهای روستایی را در طول اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی فرهنگی کشور [۱۸] تحلیل نماید و تغییرات آن با توزیع درآمد را در روستاها تبیین کند.

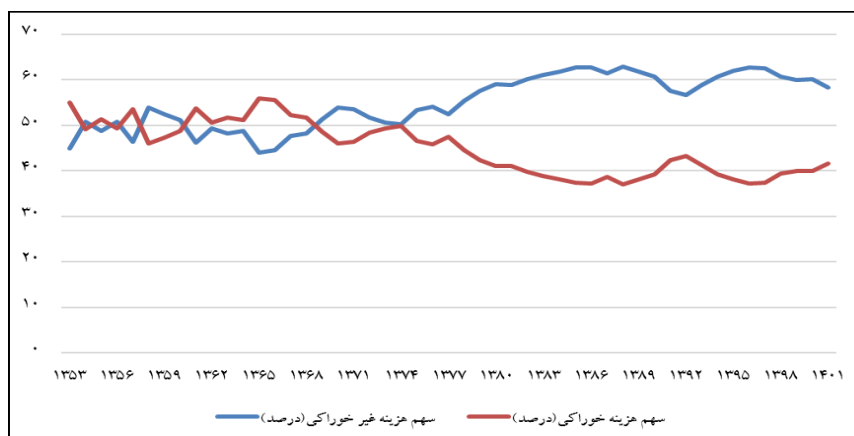
۴- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از حیث روش، توصیفی و تحلیلی است. قلمرو زمانی پژوهش، دوره ۱۴۰۱-۱۳۵۳ و موضوع مطالعه، الگوی هزینه-درآمد در مناطق روستایی است. انتخاب دوره آماری بر اساس حداکثر میزان دسترسی به داده های آماری است. این داده ها از مرکز آمار ایران [۱۰] و بانک مرکزی [۲]، اخذ شده و روند تغییرات متغیرهای اصلی پژوهش (هزینه خوراکی، هزینه غیرخوراکی، درآمد و شاخص توزیع درآمد) ابتدا در قالب جدول و نمودار توصیف شده و سپس با کمک نرخ های رشد، ضرایب همبستگی و میانگین ها تحلیل شده است.

۴-۱- یافته های پژوهش

در این مقاله، روند هزینه-درآمد یک خانوار نمونه روستایی طی دوره ۱۴۰۱-۱۳۵۳ مورد تحلیل قرار می گیرد. در دوره پسا انقلاب بر مقاطع برنامه های پنج ساله تأکید می شود. میانگین نرخ رشد هزینه کل یک خانوار روستایی در این دوره ۱۹/۸ درصد بوده، در حالی که نرخ رشد درآمد در همان مدت، به طور متوسط ۲۱/۴ درصد بوده است. علاوه بر این، میزان رشد سالانه هزینه های خوراکی و غیرخوراکی به ترتیب ۱۹/۲ و ۲۰/۵ درصد محاسبه شده است. شکل ۱ سهم هزینه های خوراکی و غیرخوراکی یک خانوار روستایی را به تصویر کشیده است. مطابق این شکل، جابجایی و انتقال در هزینه های خوراکی و غیرخوراکی تا سال ۱۳۷۵ وجود داشته اما پس از آن، از اهمیت و سهم هزینه های خوراکی در سبد خانوار کاسته شده و بر سهم هزینه های غیرخوراکی افزوده شده است و فاصله و شکاف قابل توجهی بین این دو نوع هزینه مشاهده می شود.

جدول ۱ میانگین نرخ رشد هزینه ها و درآمد یک خانوار روستایی را به تفکیک برنامه های پنج ساله نشان می دهد. سال های ۱۳۷۳، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵ به عنوان سال های تنفس بوده و خارج از برنامه های پنج ساله پسا انقلاب هستند. کمترین رشد هزینه ها (کل، خوراکی و غیر خوراکی) به ترتیب ابتدا در برنامه چهارم و سپس طی برنامه پنجم توسعه بوده و بیشترین رشد هزینه ها در طول برنامه ششم توسعه- که همزمان دو رخداد کرونا و تشدید تحریم ها را تجربه کرده- رخ داده است.



شکل ۱- سهم هزینه های یک خانوار روستایی
مأخذ داده ها: [۲۲]

جدول ۱- رشد هزینه-درآمد یک خانوار روستایی (درصد)

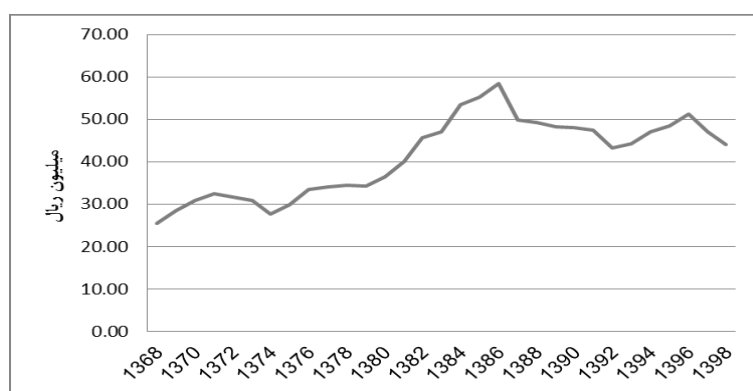
برنامه	دوره	رشد هزینه خوراکی ها	رشد هزینه غیر خوراکی ها	رشد کل هزینه	رشد درآمد
برنامه اول	۱۳۷۲-۱۳۶۸	۱۸/۲	۲۲/۳	۲۰/۲	۲۲/۵
برنامه دوم	۱۳۷۸-۱۳۷۴	۱۹/۷	۲۶/۱	۲۳	۲۶/۲
برنامه سوم	۱۳۸۳-۱۳۷۹	۱۸/۴	۲۲/۷	۲۱	۲۰/۹
برنامه چهارم	۱۳۸۸-۱۳۸۴	۱۱/۳	۱۲/۶	۱۲/۱	۱۱/۱
برنامه پنجم	۱۳۹۴-۱۳۹۰	۱۵/۱	۱۵	۱۵	۱۹/۲
برنامه ششم	۱۴۰۰-۱۳۹۶	۳۲/۸	۲۹/۲	۳۰/۵	۳۳/۳

منبع: محاسبات تحقیق

مأخذ داده ها: [۱۰]

رشد اقتصادی در مناطق روستایی به صورت رسمی در حساب های ملی گزارش نمی شود. از این رو، رشد درآمد سرانه حقیقی (نسبت درآمد سرانه اسمی به شاخص قیمت مصرف کننده) به عنوان یک متغیر جانشین برای رشد اقتصادی روستایی محسوب می شود. در دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۸ متوسط نرخ رشد اقتصادی متناظر بر حسب تغییرات درآمد سرانه حقیقی معادل ۱/۷ درصد بوده است. در شکل ۲ روند تغییرات درآمد سرانه حقیقی در

مناطق روستایی ارائه شده است. در دوره مورد مطالعه، درآمد سرانه حقیقی با نوساناتی مواجه شده و بیشترین درآمد سرانه حقیقی در سال ۱۳۸۶ معادل ۵۸/۴ میلیون ریال بوده است، اما روند عمومی تغییرات آن فزاینده بوده به طوری که درآمد سرانه حقیقی هر فرد روستایی از ۲۵/۵ میلیون ریال در سال ۱۳۶۸ به ۴۴/۱ میلیون ریال در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. افزایش درآمد سرانه حقیقی به مفهوم بهبود رفاه خانوارهای روستایی است.

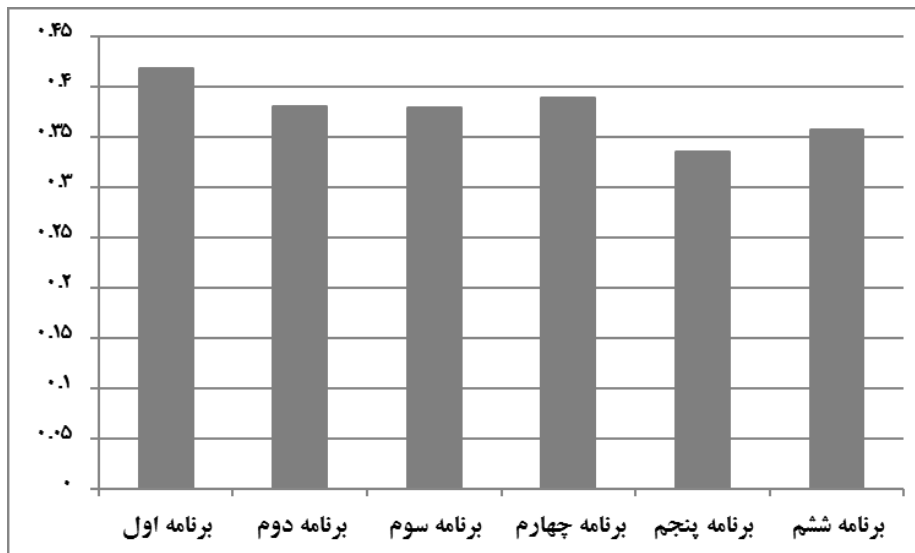


شکل ۲- درآمد سرانه حقیقی در مناطق روستایی

مأخذ داده ها: [۱۰]

ترکیب مخارج خوراکی-غیرخوراکی خانوار روستایی از توزیع درآمدها تبعیت می کند. در فرایند توسعه روستایی، یکی از اصلاحات اصلی مربوط به عدالت در توزیع درآمدها و ثروت هاست. در توسعه پایدار روستایی انتظار می رود که از میزان نابرابری در توزیع درآمدها کاسته شود. در شکل ۳ میانگین ضریب جینی به عنوان رایج ترین معیار سنجش نابرابری درآمدی در هر یک از برنامه های پنج ساله ترسیم شده است.

شکل ۳ نشان می دهد که از زمان اجرای برنامه اول تا ششم توسعه کلان اقتصادی، میانگین ضریب جینی در کل نزولی بوده است و از ۰/۳۸۰۳ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۳۵۳۹ در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است. این کاهش به مفهوم حرکت کلی به سوی برابری در توزیع درآمدها است. همچنین کمترین متوسط ضریب جینی به برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تعلق دارد. علاوه بر افزایش درآمد حاصل از فعالیت های کشاورزی و دامداری در روستاها، به نظر می رسد پرداخت یارانه نقدی سرانه ۴۵۵۰۰ تومان در این کاهش موثر بوده باشد.



شکل ۳- میانگین ضریب جینی در مناطق روستایی
مأخذ داده ها: [۱۰]

۲-۴- میل نهایی به مصرف

بر اساس الگوی مصرف کینز^۱، مصرف هر فرد یا خانوار به طور مستقیم به درآمد قابل تصرف بستگی دارد و در ساده ترین فرم، تابع مصرف را به صورت زیر می توان نوشت:

$$C = a + by_d$$

که C مخارج مصرفی و y_d درآمد قابل تصرف (درآمد منهای مالیات به اضافه یارانه ها) را نشان می-دهد. ضریب a نشانگر مصرف مستقل و مثبت است و به درجه توسعه یافتگی، ترجیحات خانوار، انتقالات درآمدی و مانند آنها وابسته است. شیب b نیز میل نهایی به مصرف^۲ (MPC) است که نسبت تغییر در مصرف (مخارج مصرفی) به تغییر در درآمد قابل تصرف را نشان می دهد. همچنین دامنه تغییرات آن بین صفر و یک است و از قاعده روانشناسی مصرف کینز تبعیت می کند. مطابق این قاعده، با افزایش درآمد قابل تصرف، خانوارها یا افراد مصرف خود را افزایش می دهند اما میزان افزایش مصرف کمتر از میزان افزایش درآمد قابل تصرف است.

در فاصله زمانی ۱۴۰۱-۱۳۵۳، نتیجه برآورد رگرسیون مخارج کل خانوارهای روستایی روی درآمد خانوارها (درآمد قابل تصرف در دسترس نبود)، به صورت زیر گزارش می‌شود:

$$C = ۶۵۰۶/۴۷ + ۰/۸۱۱y \quad \bar{R}^2 = ۰/۹۹۶$$

$$t = (۱۰۹/۴۳)$$

با توجه به رابطه رگرسیونی اخیر، میل نهایی به مصرف تقریباً ۰/۸۱ برآورد می‌شود. این نسبت نشان می‌دهد که در دوره بلندمدت مورد مطالعه، به طور متوسط، ۸۱ درصد از درآمد خانوارهای روستایی، صرف مخارج خوراکی و غیرخوراکی شده و تنها ۲۰ درصد باقیمانده به پس انداز اختصاص یافته است.

۵- بحث و نتیجه گیری

افزایش مصرف حقیقی خانوارهای روستایی یکی از مولفه‌های اصلی رفاه روستایی است و رشد پایدار آن یکی از ارکان مهم توسعه پایدار و متوازن است. موضوع مصرف، ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و از این رو برنامه‌ریزی برای مدیریت مصرف به ویژه در مناطق روستایی با هدف کاهش آهنگ مهاجرت به شهرها بایستی در اولویت‌های کلان و منطقه‌ای برنامه های توسعه قرار گیرد.

پراکندگی فضایی روستاها از الگوهای کشت، نظام‌های بهره برداری و وضعیت اقلیمی تبعیت می‌کند. جایی که دسترسی به آب و زمین قابل کشت، بیشتر باشد، تراکم جمعیت روستایی هم بیشتر است. در کانون های روستایی، افزایش درآمد و توسعه مشاغل برای ماندگاری روستائیان اهمیت حیاتی دارد. در کنار افزایش درآمد حقیقی، تمرکز سیاست‌گذاری باید بر فقرزدایی و رفع نابرابری باشد. گردشگری روستایی، آموزش کشاورزان، استفاده از انواع پربازده بذرها، شیوه های نوین آبیاری، تشکیل و تقویت تعاونی‌های قوی تولیدی، بازاررسانی به موقع محصولات باغی و زراعی و احداث زیرساخت‌های ذخیره‌سازی محصولات زراعی و دامی از جمله اقداماتی هستند که فرصت توسعه را در مناطق روستایی فراهم می‌سازند.

در این تحقیق، طی دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۵۳ مشخص شد که میانگین نرخ رشد هزینه کل یک خانوار روستایی ۱۹/۸ درصد بوده، در حالی که نرخ رشد درآمد در همان مدت، به طور متوسط ۲۱/۴ درصد بوده است. علاوه بر این، میزان رشد سالانه هزینه های

خوراکی و غیرخوراکی به ترتیب $۱۹/۲$ و $۲۰/۵$ درصد محاسبه شده است. همچنین میل نهایی به مصرف تقریباً $۰/۸۱$ برآورد شد که نشان می دهد به طور متوسط، ۸۱ درصد از درآمد خانوارهای روستایی، صرف مخارج خوراکی و غیرخوراکی شده است. کاهش شکاف درآمدی بین شهر و روستا، گامی برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرهاست. یکی از راه های کاهش این شکاف، تخصیص بهینه یارانه هاست. اما میزان بهره مندی حقیقی از یارانه ها و بهبود رفاه خانوارهای روستایی، تابع کشش های قیمتی و درآمدی برای خانوارهای روستایی است. علاوه بر این، اجرای هرگونه سیاستی که هدف آن بهبود امنیت غذایی خانوار باشد بایستی براساس مخارج مواد غذایی، میزان دسترسی به مواد غذایی و خصوصیات خانوار باشد. درآمد خانوارهای روستایی از قیمت محصولات کشاورزی و نرخ ارز هم تاثیر می پذیرد، در نتیجه، خرید تضمینی محصولات کشاورزی توسط دولت و کاهش نوسانات نرخ ارز به پایداری درآمد روستائیان کمک خواهد کرد.

توضیحات

1. Keynes
2. Marginal Propensity to Consume

مرجع ها

- [۱] ابراهیمی، محسن؛ دهقانی احمدآباد، هانی (۱۳۹۱). بررسی تغییرات رفاهی ناشی از افزایش قیمت برق در خانوارهای شهری و روستایی. رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۶) فقر(۲)، صص ۳۷۳-۳۹۷.
- [۲] بانک مرکزی ایران. بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی. قابل دسترس از: <https://tsd.cbi.ir/>
- [۳] خلیلی ملکشاه، سمانه؛ قهرمان زاده، محمد؛ پیش بهار، اسماعیل (۱۳۹۹). اثر خصوصیات خانوار بر تقاضای مواد غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۲(۴)، صص ۲۳-۵۵.
- [۴] رحیمی، مجید؛ محمدی، حمید (۱۳۸۶). شاخص های فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی. رفاه اجتماعی، ۶(۲۴)، صص ۱۰۵-۱۲۳.

- [۵] سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۳). قانون برنامه هفت ساله دوم عمرانی کشور (۱۳۳۴-۱۳۴۱). معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان.
- [۶] عاقلی، لطفعلی (۱۴۰۰). تحلیلی بر روند اشتغال در مناطق روستایی در ایران. مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی، ۲(۱)، صص ۸۱-۱۰۲.
- [۷] فطرس، محمدحسن؛ معبودی، رضا. (۱۳۹۲). اثر پراکندگی های درآمدی بر توزیع مخارج مصرفی خانوارهای شهری و روستایی ایران. پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۲۱(۶۶)، صص ۹۳-۱۱۴.
- [۸] کرباسی، علیرضا؛ کوه پیم، فریبا (۱۳۸۹). رابطه بلندمدت میان درآمد خانوار روستایی و متغیرهای کلان اقتصادی در ایران. اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)، ۴(۴)، صص ۱۵۹-۱۷۱.
- [۹] محمدجانی، اسماعیل؛ یزدانیان، نازنین (۱۳۹۳). تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و الزامات مدیریتی آن. فصلنامه روند، شماره های ۶۵ و ۶۶، صص ۱۴۴-۱۱۷.
- [۱۰] مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. قابل دسترس در: <https://www.amar.org.ir>.
- [۱۱] مهرجو، سعید؛ شیروانیان، عبدالرسول؛ بخشوده، محمد (۱۳۹۶). بررسی صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس در خانوارهای روستایی ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۹(۱) (پیاپی ۳۳)، صص ۹۳-۱۰۸.
- [12] Bhalla, G.S., and Hazell, P. (2003). Rural Employment and Poverty: Strategies to Eliminate Rural Poverty within a Generation. *Economic and Political Weekly*, 38(33), 3473-3484.
- [13] Clark, J.B. (2005). *The Distribution of Wealth: A Theory of Wages, Interest and Profits*. Cosimo Classics, Illustrated Edition, New York.
- [14] Copus, A., Hall, C., Barnes, A., Dalton, G., Cook, P., Weingarten, P., Baum, S., Stange, H., Lindner, Ch., Hill, A., Eiden, G., McQuaid, R., Grieg, M., and Johansson, M. (2006). Study on Employment in Rural Areas. European Commission Directorate General for Agriculture, Unit F.3. Consistency of Rural Development.
- [15] Deaton, A., Muellbauer, J. (1980). An almost ideal demand system. *The American Economic Review*, 70(3), 312-326.

- [16] Golait, R., and Pradhan, N.C. (2006). Changing food consumption pattern in rural India: Implication on food and nutrition security. *Ind. Jn. of Agri. Econ*, **61**(3), 1-15.
- [17] Hossain, M.M. (2010). Changing consumption patterns in rural Bangladesh. *International Journal of Consumer Studies*, **34**(3), 349-356.
- [18] <https://www.mporg.ir/portal>
- [19] Mohapatra, G., and Giri, A.K. (2019). The effects of non-farm enterprises on farm households' income and consumption expenditure in Rural India. *Agricultural and Resource Economics*, **19**(1), 195-222.
- [20] Nguyen, D.L., Grote, U., and Nguyen, T.T. (2017). Migration and rural household expenditures: A case study from Vietnam. *Economic Analysis and Policy*, **56**, 163-175.
- [21] Pasichnyk, Y., Sukach, O. (2023). A Discourse on household expenditure in rural areas in the context of European economic studies. *Journal of European Economy*, **22**(2), 232-265.
- [22] Swathysree, S.S., Chakrabarty, M., and Bhattacharaya, D. (2023). Getting real in the real consumption expenditure: A case of rural India. *Journal of Quantitative Economics*, 1-30.
- [23] Zhang, J., Xie, J., and Zhou, W. (2009). Comparative analysis of rural consumption expenditure in China. *Asian Agricultural Research*, **1**(1812-2016-142680), 10-12.

لطفعلی عاقلی

دکترای اقتصاد منابع و عضو هیئت علمی
تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.
رايانشانی: aghelik@modares.ac.ir